

شماره ۱۸۸ - ۲

تاریخ ۱۳۷۷/۴/۱۴



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
دفتر رئیس



شورای محترم نگهبان

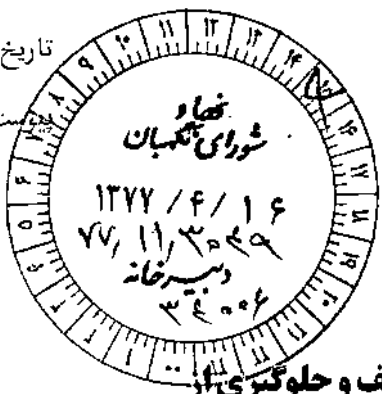
لایحه شماره ۱۸۳۴۲/۲۸۸۷ مورخ ۱۳۷۷/۱/۳۰ دولت در مورد موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالی در مورد مالیاتهای بردرآمد و سرمایه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قزاقستان که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۱۳۷۷/۴/۱۴ مجلس شورای اسلامی عینا به تصویب رسیده است در اجرای اصل نود و چهارم قانون اساسی جهت بررسی و اظهار نظر آن شورای محترم به پیوست ارسال می گردد. /ن

علی اکبر ناطق نوری

رئیس مجلس شورای اسلامی

(Handwritten signature)

شماره ۲۱۸۸-۵
تاریخ و امضاء
.....



بسم الله

لایحه موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالی در مورد مالیاتهای بردرآمد و سرمایه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قزاقستان

ماده واحده - موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالی در مورد مالیاتهای بردرآمد و سرمایه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قزاقستان، مشتمل بر یک مقدمه و (۳۰) ماده بشرح پیوست تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می شود.

بسم الله الرحمن الرحيم

موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قزاقستان به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالی در مورد مالیات بردرآمد و سرمایه

دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری قزاقستان با تمایل به انعقاد موافقتنامه ای به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و تبادل اطلاعات در مورد مالیاتهای بردرآمد و سرمایه، به شرح زیر توافق نمودند:

ماده ۱ - اشخاص مشمول موافقتنامه:

این موافقتنامه ناظر بر اشخاصی است که مقیم قلمرو یکی از دولتهای متعاقد یا هر دو آنها باشند.

ماده ۲ - مالیاتهای موضوع موافقتنامه:

۱- این موافقتنامه شامل مالیات بردرآمد و مالیات بر سرمایه است که صرفنظر از نحوه وضع آنها از سوی یک دولت متعاقد یا مقامهای محلی آنها وضع می گردد.



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره

تاریخ

پیوست

تعلیه

۲- مالیات بر درآمد و سرمایه عبارتند از کلیه مالیاتهای متعلقه به کل درآمد، کل سرمایه، یا اجزای درآمد یا سرمایه از جمله مالیات عوائد حاصل از نقل و انتقال اموال منقول یا غیرمنقول، مالیات بر کل مبالغ پرداختی موسسات تجاری بابت دستمزد یا حقوق، و همچنین مالیات بر افزایش ارزش سرمایه.

۳- مالیاتهای فعلی مشمول این موافقتنامه بخصوص عبارتند از:

الف - درمورد جمهوری اسلامی ایران

- مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی و حقوقی.

- مالیات بر اموال اشخاص حقیقی و حقوقی

(که از این پس مالیات مستقیم جمهوری اسلامی ایران نامیده می شود).

ب - درمورد جمهوری قزاقستان

- مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی و حقوقی

- مالیات بر اموال اشخاص حقیقی و حقوقی

(که از این پس مالیات قزاقستان نامیده می شود).

۴- این موافقتنامه شامل مالیاتهای یکسان یا اساسا مشابهی که علاوه بر مالیاتهای موجود یا به جای آنها، بعد از امضاء این موافقتنامه وضع شود نیز خواهد بود. مقامهای صلاحیتدار دولتهای متعاقد، از هر تغییری که در قوانین مالیاتی مربوط به آنها حاصل شود یکدیگر را مطلع خواهند نمود.

ماده ۳ - تعاریف کلی:

۱- از لحاظ این موافقتنامه، جز در مواردی که سیاق عبارت مفهوم دیگری را اقتضا

نماید:

الف - اصطلاحات "جمهوری اسلامی ایران" به "قلمرو تحت حاکمیت جمهوری

اسلامی ایران" اطلاق می شود.

"قزاقستان" اطلاق می شود به "جمهوری قزاقستان" و وقتی که در یک مفهوم

جغرافیایی به کار می رود اصطلاح "قزاقستان" شامل قلمروی می شود که قزاقستان برای

مقاصد معین می تواند حق حاکمیت و صلاحیت خود را طبق حقوق بین الملل اعمال نماید و



تعلیه

قانون مالیاتی قزاقستان در آن اعمال می گردد.

ب - اصطلاحات "یک دولت متعاهد" و "دولت متعاهد دیگر" بنا به اقتضای متن به جمهوری اسلامی ایران یا قزاقستان اطلاق می شود.

ج - اصطلاح "شخص" شامل یک شخص حقیقی، شرکت یا سایر انواع اشخاص می باشد.

د - اصطلاح "شرکت" اطلاق می شود به هر شخص حقوقی یا هر موسسه که از لحاظ مالیاتی به عنوان شخص حقوقی محسوب می گردد.

ه - اصطلاح "دفتر ثبت شده" به مفهوم دفتر مرکزی ثبت شده و ایجاد شده طبق قوانین مربوطه هر دولت متعاهد می باشد.

و - اصطلاحات "موسسه تجاری یک دولت متعاهد" و "موسسه تجاری دولت متعاهد دیگر" به ترتیب اطلاق می شود به موسسه تجاری که به وسیله شخص مقیم یک دولت متعاهد و موسسه تجاری که به وسیله مقیم دولت متعاهد دیگر اداره می شود.

ز - اصطلاح "حمل و نقل بین المللی" اطلاق می شود به هرگونه حمل توسط کشتی، قایق، هواپیما یا وسائط نقلیه جاده ای و راه آهن که توسط یک موسسه تجاری یک دولت متعاهد انجام می شود، به استثنای مواردی که کشتی، قایق، هواپیما یا وسائط نقلیه جاده ای و راه آهن صرفاً بین مکانهای واقع در دولت متعاهد دیگر استفاده شود.

ح - اصطلاح "مقام صلاحیتدار" اطلاق می شود:

- در مورد جمهوری اسلامی ایران، وزیر امور اقتصادی و دارایی یا نماینده مجاز او.

- در مورد قزاقستان وزیر دارایی یا نماینده مجاز او.

ط - اصطلاح "تبعه" اطلاق می شود:

- هر شخص حقیقی که دارای تابعیت یک دولت متعاهد باشد.

- هر شخص حقوقی، که وضعیت قانونی خود را به موجب قوانین جاری در یک

دولت متعاهد کسب نماید.

ی - اصطلاح "سرمایه" به اموال منقول و غیر منقول، اطلاق می گردد و شامل سهام یا سایر مدارک حق مالکیت، سفته، اوراق قرضه یا سایر مدارک دین (بدهی)، حق اختراع، علائم تجاری، حق انتشار یا سایر حقوق یا اموال مشابه می باشد (اما به آنها محدود



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره

تاریخ

پیوست

تعلیق

نمی‌گردد).

۲- در اجرای این موافقتنامه توسط یک دولت متعاقد، در هر زمان هر اصطلاحی که تعریف نشده باشد، بجز مواردی که اقتضای سیاق عبارت به گونه‌ای دیگر باشد، آن معنایی را خواهد داشت که طبق قوانین آن دولت متعاقد راجع به مالیاتهای موضوع این موافقتنامه دارد.

ماده ۴ - مقیم:

۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح "مقیم" یک دولت متعاقد اطلاق می‌شود به هر شخصی که به موجب قوانین آن دولت از حیث اقامتگاه، محل سکونت، محل ثبت، محل شرکت، یا سایر معیارهای مشابه، مشمول مالیات آنجا باشد. اما این اصطلاح شامل اشخاصی که فقط به سبب درآمد حاصل از منابعی در آن دولت یا سرمایه واقع در آن، مشمول مالیات آن دولت می‌باشند، نمی‌گردد.

۲- در صورتی که حسب مقررات بند (۱) این ماده یک شخص حقیقی مقیم هر دو دولت متعاقد باشد وضعیت او به شرح زیر تعیین خواهد شد:

الف - او مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن یک محل سکونت دائمی در اختیار داشته باشد. اگر او در هر دو دولت محل سکونت دائمی در اختیار داشته باشد مقیم دولتی تلقی خواهد شد که با آن روابط شخصی و اقتصادی نزدیکتری دارد. (مرکز منافع حیاتی)

ب - هرگاه نتوان دولتی را که وی در آن مرکز منافع حیاتی دارد تعیین کرد، یا اگر در هیچیک از دو دولت محل سکونت دائمی در اختیار نداشته باشد، مقیم دولت متعاهدی تلقی خواهد شد که معمولاً در آنجا به سر می‌برد.

ج - هرگاه او معمولاً در هر دو دولت متعاقد به سربرد یا در هیچیک به سر نبرد، مقیم دولتی تلقی می‌شود که تابعیت آن را دارد.

د - هرگاه او تابعیت هر دو دولت را داشته باشد یا تبعه هیچیک از آنها نباشد، مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد موضوع را با توافق دو جانبه فیصله خواهند داد.

۳- در صورتی که، حسب مقررات بند (۱)، شخصی غیر از یک شخص حقیقی مقیم هر دو دولت متعاقد باشد، او مقیم دولتی تلقی خواهد شد که دفتر ثبت شده‌اش در آن واقع



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره

تاریخ

پیوست

تعلین

است.

ماده ۵ - مقرر دائم:

۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح "مقرر دائم" اطلاق می شود به محل ثابت شغلی که از طریق آن، موسسه تجاری یک دولت متعاقد کالا یا جزئا در دولت متعاقد دیگر فعالیت شغلی دارد.

۲- اصطلاح "مقرر دائم" بخصوص شامل موارد زیر است:

الف - محل اداره

ب - شعبه

ج - دفتر

د - انبار و نمایشگاهی که اجناس یا کالا را در معرض فروش می گذارد

ه- کارخانه

و - کارگاه

ز - معدن، چاه نفت یا گاز، معدن سنگ یا هر محل دیگر استخراج از منابع طبیعی.

۳- اصطلاح "مقرر دائم" همچنین شامل موارد زیر می شود:

الف - کارگاه ساختمانی، پروژه نصب یا سوار نمودن ساختمان یا خدمات مربوط به سرپرستی و نظارت مرتبط با آن، لکن فقط در صورتی که این کارگاه یا پروژه بیش از ۱۲ ماه استقرار یا این خدمات بیش از ۱۲ ماه ادامه داشته باشد.

ب - تاسیسات یا ساختمان مورد استفاده برای اکتشاف منابع طبیعی، یا خدمات سرپرستی مرتبط به آن، یا تجهیزات حفاری یا کشتی مورد استفاده برای اکتشاف منابع طبیعی، فقط در صورتی که این عملیات و خدمات بیش از ۱۲ ماه استقرار یا ادامه داشته باشد،

و

ج - انجام خدمات (از جمله خدمات مشاوره ای) توسط یک مقیم از طریق کارمندان یا سایر کارگزاران وی به این منظور، لکن فقط در صورتی که این نوع فعالیتها (برای همان پروژه یا پروژه مرتبط با آن) در داخل آن کشور بیش از ۱۲ ماه ادامه داشته باشد.

۴ - علیرغم مقررات قبلی این ماده، فعالیتهای مشروحه ذیل یک موسسه تجاری یک



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره

تاریخ

پیوست

تعلیقات

دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر بعنوان فعالیت از طریق یک "مقر دایم" تلقی نخواهند شد:

الف - استفاده از تاسیسات، صرفاً بمنظور انبار کردن یا نمایش اجناس یا کالاهای متعلق به موسسه تجاری.

ب - نگهداری موجودی کالا یا اجناس متعلق به موسسه تجاری صرفاً بمنظور انبار کردن یا نمایش.

ج - نگهداری موجودی اجناس یا کالای متعلق به موسسه تجاری صرفاً بمنظور آماده سازی آنها توسط موسسه تجاری دیگر.

د - نگهداری یک محل ثابت شغلی صرفاً بمنظور خرید کالاها یا اجناس، یا جمع آوری اطلاعات برای آن موسسه تجاری.

ه - نگهداری یک محل ثابت شغلی صرفاً بمنظور انجام تبلیغات، گردآوری اطلاعات، تحقیقات علمی، سایر فعالیتهایی که دارای جنبه تمهیدی و یا کمکی باشد.

و - نگهداری یک محل ثابت شغلی صرفاً بمنظور ترکیبی از فعالیتهای مزبور در جزءهای (الف) تا (ه) به شرط آنکه فعالیت کلی محل ثابت شغلی حاصل از این ترکیبات دارای جنبه تحقیقی یا کمکی باشد.

۵ - علیرغم مقررات بندهای (۱) و (۲) در صورتیکه شخصی (به غیر از نماینده دارای وضعیت مستقل، که مشمول بند (۶) می باشد) در یک دولت متعاهد از طرف موسسه تجاری فعالیت نماید که دارای اختیار انعقاد قرارداد بنام آن موسسه باشد و آن را بطور معمول اعمال نماید آن موسسه تجاری در مورد فعالیتهایی که آن شخص برایش انجام می دهد دارای مقر دایم در آن دولت تلقی خواهد شد مگر آنکه فعالیتهای این شخص مزبور محدود به موارد مذکور در بند (۴) باشد، که بموجب مقررات بند مذکور چنانچه از طریق یک محل ثابت شغلی نیز انجام گیرند، این محل ثابت شغلی را به یک مقر دایم تبدیل نخواهد کرد.

۶ - موسسه تجاری یک دولت متعاهد صرفاً به سبب آنکه در دولت متعاهد دیگر از طریق یک حق العمل کار، دلال یا هر نماینده مستقل دیگر به انجام امور می پردازد، دارای مقر دایم در آن دولت متعاهد دیگر تلقی نخواهد شد مشروط بر آنکه عملیات این اشخاص در حدود معمول فعالیت خود آنها باشد.



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره

تاریخ

پدوست

بسم الله

معذالک، هرگاه فعالیت‌های چنین نماینده‌ای بطور کامل یا تقریباً کامل به آن موسسه تجاری تخصیص یافته باشد، چنانچه معاملات مابین این نماینده و آن موسسه تجاری در شرایط واقعی انجام نگیرد، او بعنوان یک نماینده دارای وضعیت مستقل قلمداد نخواهد شد.

۷- این واقعیت که شرکتی که مقیم یک دولت متعاقد است، شرکتی را که مقیم دولت متعاقد دیگر باشد یا در قلمرو آن فعالیت می‌کند، کنترل کند یا بوسیله آن کنترل شود (خواه از طریق یک مقر دایم و خواه به نحو دیگر) فی‌نفسه کافی نخواهد بود که یکی از آن‌ها مقر دایم دیگری تلقی شود.

ماده ۶ - درآمد حاصل از اموال غیر منقول:

۱- درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از اموال غیر منقول واقع در دولت متعاقد دیگر (از جمله درآمد حاصل از کشاورزی یا جنگلداری)، می‌تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- اصطلاح "اموال غیر منقول" بموجب قوانین دولت متعاهدی که مال مورد بحث در آن قرار دارد، تعریف خواهد شد. این اصطلاح به‌رحال شامل ملحقات مربوط به اموال غیر منقول، احشام و وسایل مورد استفاده در کشاورزی و جنگلداری، حقوقی که حقوق عمومی راجع به مالکیت اراضی، در مورد آنها اعمال می‌گردد حق انتفاع از اموال غیر منقول و حقوق مربوط به پرداخت‌های ثابت یا متغیر در ازای کار یا حق کار، ذخایر معدنی، چاه‌های نفت یا گاز، معادن سنگ و سایر مکان‌های استخراج منابع طبیعی از جمله الوار یا سایر محصولات جنگلی خواهد بود. کشتیها، قایقها، هواپیماها یا وسایط نقلیه جاده‌ای و راه‌آهن بعنوان اموال غیر منقول محسوب نخواهند شد.

۳- مقررات بند (۱) این ماده نسبت به درآمد حاصل از استفاده مستقیم، استیجاری یا هر شکل دیگر بهره‌برداری از اموال غیر منقول جاری خواهد بود.

۴- مقررات بندهای (۱) و (۳) این ماده در مورد درآمد ناشی از اموال غیر منقول موسسه تجاری و درآمد ناشی از اموال غیر منقول مورد استفاده برای ارائه خدمات شخصی مستقل نیز جاری خواهد بود.



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره

تاریخ

پدوست

تعمیرات

ماده ۷ - منافع تجاری:

۱ - منافع ناشی از فعالیتهای تجاری حاصله توسط موسسه تجاری یک دولت متعاقد فقط مشمول مالیات همان دولت خواهد بود مگر اینکه این موسسه تجاری در دولت دیگر از طریق مقرر دایم واقع در آن امور تجاری خود را انجام دهد.

چنانچه موسسه تجاری به ترتیب مذکور فعالیت تجاری انجام دهد، منافع آن موسسه تجاری می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود لیکن فقط آن قسمتی از آن که قابل تخصیص باشد به:

الف - آن مقرر دایم،

ب - فروش کالاها یا اجناس از همان نوع یا مشابه آن که از طریق آن مقرر دایم در دولت متعاقد دیگر فروخته شده است.

ج - سایر فعالیتهای شغلی انجام شده در دولت متعاقد دیگر و همان فعالیتهای انجام شده یا مشابه آن از طریق آن مقرر دایم باشد.

۲ - با رعایت مقررات بند (۳) این ماده، در صورتی که موسسه تجاری یک دولت متعاقد از طریق مقرر دایم واقع در دولت متعاقد دیگر، فعالیت نماید، در هر یک از دو دولت متعاقد، آن منافی جهت مقرر دایم منظور می گردد که اگر این مقرر، یک موسسه متمایز و مجزا بود و همان فعالیتهای مشابه آن را در همان شرایط یا شرایط مشابه انجام می داد و بطور کاملاً مستقلی با موسسه تجاری که مقرر دایم آن می باشد معامله می کرد، ممکن بود تحصیل نماید.

۳ - در تعیین منافع یک مقرر دایم، هزینه های قابل قبول از جمله هزینه های اجرایی و هزینه های عمومی اداری (که چنانچه این مقرر دایمی یک موسسه مستقل می بود قابل کسر بود) تا حدودی که این هزینه ها خواه در دولتی که مقرر دایم در آن واقع است انجام پذیرد و خواه در جای دیگر، برای مقاصد آن مقرر دایم تخصیص یافته باشند، کسر خواهد شد.

۴ - در حالتی که در یک دولت متعاقد روش متعارف برای تعیین منافع قابل تخصیص به یک مقرر دایم براساس تسهیم کل منافع آن موسسه به بخشهای مختلف آن باشد، مقررات بند (۲) مانع بکار بردن روش تسهیمی متعارف آن دولت متعاقد، برای تعیین منافع مشمول مالیات نخواهد شد. معذالک نتیجه روش تسهیمی متخذه می بایست با اصول این



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره

تاریخ

پدوست

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ماده تطابق داشته باشد.

- ۵- صرفاً به سبب خرید اجناس یا کالاها توسط یک مقرر دایم برای موسسه تجاری، هیچ منفعی برای آن مقرر دایم تخصیص نخواهد یافت.
- ۶- منافع تخصیصی به مقرر دایم به همان روش سال به سال تعیین خواهد شد، مگر آنکه دلیل کافی و مناسب برای اعمال روش دیگر وجود داشته باشد.
- ۷- در صورتیکه منافع شامل اقلامی از درآمد باشد که طبق سایر مواد این موافقتنامه حکم جداگانه‌ای دارد، مقررات آن مواد تحت تاثیر مقررات این ماده قرار نخواهد گرفت.

ماده ۸- حمل و نقل بین‌المللی:

منافع حاصله توسط یک موسسه تجاری یک دولت متعاهد بابت استفاده از کشتیها، قایقها، هواپیماها یا وسایط نقلیه جاده‌ای و راه‌آهن، در حمل و نقل بین‌المللی فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

ماده ۹- موسسات شریک:

۱- در صورتیکه:

الف - موسسه تجاری یک دولت متعاهد بطور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه موسسه تجاری دولت متعاهد دیگر شرکت داشته باشد یا

ب - اشخاص واحدی بطور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه موسسه تجاری یک دولت متعاهد و موسسه تجاری یک دولت متعاهد دیگر شرکت داشته باشند، و در هر یک از دو مورد، شرایط مقرر یا وضع شده در روابط تجاری یا مالی بین این دو موسسه تجاری، متفاوت از شرایطی باشد که مابین موسسات جاری مستقل برقرار است، در آن صورت هرگونه منفعی که می‌بایست عاید یکی از این موسسات تجاری شده باشد، ولی بعلت آن شرایط، عاید نشده است می‌تواند جزو منافع آن موسسه تجاری منظور شده و متناسب با آن مشمول مالیات شود.

۲- در صورتیکه یک دولت متعاهد منفعی از موسسه تجاری آن دولت را محاسبه و متناسب با آن مشمول مالیات نماید که موسسه تجاری دولت متعاهد دیگر مشمول پرداخت



تعلیه

مالیات در آن دولت متعاهد دیگر شده است و منافعی که بدین ترتیب محسوب شده‌اند منافعی باشند که چنانچه شرایط بین این دو موسسه، مانند شرایط میان دو موسسه مستقل بود عاید موسسه دولت مقدم‌الذکر می‌شد، در اینصورت آن دولت دیگر در مقدار مالیات آن منافع، تعدیل مناسبی بعمل خواهد آورد. در تعیین چنین تعدیلاتی می‌بایست سایر مقررات این موافقتنامه لحاظ شوند و مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاهد در صورت لزوم با یکدیگر مشورت خواهند نمود.

ماده ۱۰ - سود سهام:

۱ - سود سهام پرداختی توسط شرکتی که مقیم یک دولت متعاهد است به مقیم یک دولت متعاهد دیگر می‌تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲ - با این وجود این سود سهام می‌تواند در دولت متعاهدی که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است و طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، لکن در صورتیکه دریافت کننده، مالک منافع سود سهام باشد، مالیات متعلقه از مبالغ زیر تجاوز نخواهد کرد:
الف - پنج درصد (۵٪) مبلغ ناخالص سود سهام، در صورتیکه دریافت کننده شرکتی (به غیر از مشارکتها) باشد که حداقل بیست درصد (۲۰٪) سرمایه شرکت پرداخت کننده سود سهام را مستقیماً در اختیار داشته باشد.

ب - پانزده درصد (۱۵٪) مبلغ ناخالص سود سهام در کلیه سایر موارد.

۳ - اصطلاح "سود سهام" به نحوی که در این ماده بکار می‌رود اطلاق می‌شود به درآمد حاصل از سهام یا سایر حقوق (به استثنای مطالبات دیون) مشارکت در منافع و نیز درآمد حاصل از سایر حقوق شراکتی که طبق قوانین دولتی که شرکت توزیع کننده درآمد، مقیم آن باشد، مشمول همان رفتار مالیاتی است که در مورد درآمد حاصل از سهام اعمال می‌گردد.

۴ - هرگاه مالک منافع سود سهام مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگر که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است، از طریق مقر دایم واقع در آن، به فعالیت شغلی پردازد یا از یک پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و سهامی که از بابت آن سود سهام پرداخت می‌شود بطور موثر مرتبط با این مقر دایم یا پایگاه



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره

تاریخ

پیوست

تعلیه

ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) جاری نخواهد بود. در این صورت، مقررات ماده (۷)، (منافع تجاری) یا ماده (۱۴)، (خدمات شخصی مستقل) حسب مورد، جاری خواهد بود.

۵- در صورتیکه شرکتی که مقیم یک دولت متعاهد می باشد، منافع یا درآمدی از دولت متعاهد دیگر حاصل نماید، آن دولت متعاهد دیگر هیچ نوع مالیاتی بر سود سهام پرداختی توسط این شرکت وضع نخواهد کرد (به غیر از مواقعی که این سود سهام به مقیم آن دولت دیگر پرداخت شود یا مواقعی که سهامی که بابت آن سود سهام پرداخت می شود بطور موثر مرتبط با یک مقر دایم یا پایگاه ثابت واقع در آن دولت دیگر باشد)، و منافع تقسیم نشده شرکت را نیز مشمول مالیات نخواهد نمود. حتی اگر سود سهام پرداختی یا منافع تقسیم نشده، کلا یا جزئا از منافع یا درآمد حاصل در آن دولت دیگر تشکیل شوند.

۶- مفاد این موافقتنامه چنین تفسیر نخواهد شد که مانع آن شود تا یک دولت متعاهد بر درآمد قابل تخصیص یک شرکت به مقر دایم در آن دولت، مالیات مخصوصی وضع نماید که علاوه بر مالیات بر درآمدی باشد که شرکت تبعه آن دولت مشمول آن است. مشروط بر آنکه مبلغ کل این مالیات اضافی از پنج درصد (۵٪) سود خالصی که مقر دایم پس از کسر همان مالیات، مشمول مالیات بر منافع می باشد، تجاوز نکند.

ماده ۱۱ - هزینه های مالی:

۱- هزینه های مالی حاصله در یک دولت متعاهد و پرداخت شده به مقیم دولت متعاهد دیگر می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- با این وجود، این هزینه های مالی می تواند در دولت متعاهدی که حاصل می شود، و طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، لکن چنانچه دریافت کننده مالک منافع هزینه های مالی باشد، مالیات متعلقه از ده درصد (۱۰٪) مبلغ ناخالص هزینه های مالی تجاوز نخواهد کرد.

۳- علیرغم مقررات بند (۲)، هزینه های مالی حاصل در یک دولت متعاهد و مکسبیه توسط دولت، وزارتخانه ها، سایر نهادهای دولتی، مقامات محلی، بانک مرکزی و سایر بانکهایی که کلا متعلق به دولت متعاهد دیگر می باشند، از مالیات دولت اول معاف خواهد بود.



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره

تاریخ

پیوست

تعلیق

۴- اصطلاح "هزینه‌های مالی" به نحوی که در این ماده بکار رفته است به درآمد ناشی از هر نوع مطالبات دیون، خواه دارای وثیقه باشد یا نباشد و خواه از حق مشارکت در منافع بدهکار برخوردار باشند یا نباشند، و بخصوص درآمد ناشی از اوراق بهادار دولتی و درآمد ناشی از اوراق قرضه یا سهام قرضه از جمله حقوق بیمه و جوایز مربوط به اینگونه اوراق بهادار، اوراق قرضه و سهام قرضه اطلاق می‌شود. جرایم متعلقه برای تاخیر تادیه از لحاظ این ماده هزینه‌های مالی محسوب نخواهد شد.

۵- هرگاه مالک منافع هزینه‌های مالی، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که هزینه‌های مالی در آنجا حاصل شده از طریق یک مقر دایم واقع در آن فعالیت شغلی داشته باشد یا در آن دولت دیگر از یک پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و مطالبات دیونی که هزینه‌های مالی از بابت آن پرداخت می‌شود بطور موثر مربوط به این مقر دایم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) این ماده جاری نخواهد شد. در این مورد، مقررات مواد (۷) یا (۱۴)، حسب مورد، جاری خواهد بود.

۶- هزینه‌های مالی زمانی حاصل در دولت متعاقد تلقی خواهد شد که پرداخت کننده خود آن دولت، یک مقام محلی، یا یک مقیم آن دولت باشد. معذالک در صورتیکه، شخص پرداخت کننده هزینه‌های مالی، خواه مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاقد در ارتباط با بدهی که هزینه‌های مالی به آن تعلق می‌گیرد دارای مقر دایم یا پایگاه ثابت باشد، و این هزینه‌های مالی برعهده آن مقر دایم یا پایگاه ثابت باشد، در این صورت هزینه‌های مالی مذکور حاصل دولتی تلقی خواهد شد که این مقر دایم یا پایگاه ثابت در آن واقع است.

۷- در صورتیکه به دلیل وجود رابطه خاص بین پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها و شخص ثالث دیگر، مبلغ هزینه‌های مالی ای که در ارتباط با این مطالبات دیون پرداخت می‌شود بیش از مبلغی باشد که در صورت عدم وجود چنین روابطی بین پرداخت کننده و مالک منافع توافق می‌شد، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر اعمال خواهد شد. در این مورد قسمت مازاد پرداختی، طبق قوانین هر یک از دولتهای متعاقد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات خواهد بود.



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره

تاریخ

پیوست

تعلیه

ماده ۱۲ - حق الامتیازها:

۱ - حق الامتیازهای حاصل در یک دولت متعاقد و پرداختی به یک مقیم دولت متعاقد دیگر می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲ - با این وجود، این حق الامتیازها می تواند در دولت متعاهدی که حاصل می شود، و مطابق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، لکن چنانچه دریافت کننده، مالک منافع حق الامتیاز باشد، مالیات متعلقه بیشتر از ده درصد (۱۰٪) مبلغ ناخالص حق الامتیاز نخواهد بود.

۳ - اصطلاح "حق الامتیاز" به نحوی که در این ماده بکار می رود اطلاق می شود و به هر نوع وجوه دریافت شده بعنوان ما به ازای استفاده یا حق استفاده از هر نوع حق چاپ و انتشار آثار ادبی، هنری یا علمی از جمله نرم افزار، فیلمهای سینمایی و نوارهای رادیویی و تلویزیونی، هرگونه حق انحصاری اختراع، علامت تجاری، طرح یا نمونه، نقشه، فرمول یا فرایند سری، یا اطلاعات مربوط به تجارب صنعتی، بازرگانی یا علمی و پرداختها برای استفاده یا حق استفاده از تجهیزات صنعتی، بازرگانی یا علمی.

۴ - هرگاه مالک منافع حق الامتیازها، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگری که حق الامتیاز از یک مقرر دایم واقع در آن حاصل می شود فعالیت شغلی داشته باشد، یا از طریق یک پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که حق الامتیاز نسبت به آنها پرداخت می شود بطور موثری با این مقرر دایم یا پایگاه ثابت مرتبط باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) اعمال نخواهد شد. در این مورد، مقررات مواد (۷) یا (۱۴)، حسب مورد، جاری خواهد بود.

۵ - حق الامتیاز زمانی حاصل در یک دولت متعاقد تلقی خواهد شد، که پرداخت کننده خود آن دولت، یک مقام محلی یا یک مقیم آن دولت باشد. با این وجود در صورتیکه شخص پرداخت کننده حق الامتیاز خواه مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاقد دارای یک مقرر دایم یا پایگاه ثابت باشد که حق یا اموال موجود حق الامتیاز بطور موثری مرتبط با آن است و این حق الامتیازها بر عهده این مقرر دایم یا پایگاه ثابت باشد، در این مورد این حق الامتیازها حاصل در دولت متعاهدی تلقی خواهند شد که این مقرر دایم یا پایگاه ثابت در آن واقع می باشد.



بِسْمِ اللَّهِ

۶- در صورتیکه به سبب یک رابطه خاص میان پرداخت کننده و مالک منافع یا مابین هر دوی آنها یا یک شخص ثالث، مبلغ حق الامتیازی که بابت استفاده، حق یا اطلاعات پرداخت شده، از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی توسط پرداخت کننده و مالک منافع توافق می شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط راجع به مبلغ اخیرالذکر جاری خواهد بود. در اینگونه موارد، قسمت مازاد پرداختی ها بر طبق قوانین هر دولت متعاقد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات باقی خواهد ماند.

ماده ۱۳ - عواید سرمایه ای:

۱- عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از نقل و انتقال اموال غیر منقول مذکور در ماده (۶)، (درآمد حاصل از اموال غیر منقول) و واقع در دولت متعاقد دیگر می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- عواید ناشی از نقل و انتقال اموال منقولی که قسمتی از اموال شغلی یک مقرر دائمی را که موسسه تجاری یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر دارد، تشکیل دهد یا اموال منقول متعلق به یک پایگاه ثابتی که مقیم یک دولت متعاقد به منظور ارائه خدمات شخصی مستقل در دولت متعاقد دیگر در اختیار دارد، از جمله عواید ناشی از نقل و انتقال مقرر دائم (به تنهایی یا همراه با کل موسسه) یا پایگاه ثابت مزبور می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۳- عواید حاصل توسط موسسه تجاری یک دولت متعاقد از نقل و انتقال کشتی ها، قایق ها، هواپیما، یا وسائط نقلیه جاده ای یا راه آهن مورد استفاده در حمل و نقل بین المللی یا اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتی ها، قایق ها، هواپیما یا وسائط نقلیه جاده ای و راه آهن، فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی خواهند بود که دفتر ثبت شده آن موسسه در آن واقع است.

۴- عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از نقل و انتقال سهام یا سایر حقوق شراکتی در یک شرکت که دارائی آن بطور مستقیم یا غیر مستقیم قسمت عمده ای از اموال غیر منقول واقع در دولت متعاقد دیگر را تشکیل می دهد می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

تعلیم

شماره

تاریخ

پیوست

۵- عواید ناشی از نقل و انتقال هر مالی به غیر از موارد مذکور در بندهای قبلی فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی که انتقال دهنده مقیم آن است خواهد بود.

ماده ۱۴ - خدمات شخصی مستقل:

۱- درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد به سبب خدمات حرفه‌ای یا سایر فعالیت‌های مستقل، فقط در آن دولت متعاهد مشمول مالیات خواهد بود مگر آن که این خدمات در دولت دیگر انجام شود و:

الف - درآمد قابل تخصیص به پایگاه ثابتی باشد که این شخص به طور مرتب در دولت متعاهد دیگر در اختیار دارد، یا

ب - جمع مدتی که این شخص حقیقی در یک یا چند نوبت در آن دولت دیگر به سر برده است از ۱۸۳ روز در هر دوره ۱۲ ماهه متوالی تجاوز کند.

در این صورت، درآمد قابل تخصیص به این خدمات را می‌توان مطابق قواعدی مشابه قواعد ماده (۷) برای تعیین میزان منافع تجاری و تخصیص منافع تجاری به مقرر داریم، مشمول مالیات نمود.

۲- اصطلاح "خدمات حرفه‌ای" بخصوص شامل فعالیت‌های مستقل علمی، ادبی، هنری، آموزشی یا پرورشی و همچنین فعالیت‌های مستقل پزشکان، مهندسان، وکلای دادگستری، دندانپزشکان، معماران و حسابداران می‌باشد.

ماده ۱۵ - خدمات شخصی غیر مستقل:

۱- با رعایت مقررات مواد (۱۶)، (۱۸) و (۱۹) حقوق، مزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابه که مقیم یک دولت متعاهد به سبب استخدام دریافت می‌دارد فقط مشمول مالیات همان دولت می‌باشد مگر آن که استخدام در دولت متعاهد دیگر انجام شود. چنانچه استخدام بدین ترتیب انجام شود، حق‌الزحمه حاصل از آن می‌تواند مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر شود.

۲- علیرغم مقررات بند (۱)، حق‌الزحمه حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد به سبب استخدامی که در دولت متعاهد دیگر انجام شده فقط مشمول مالیات دولت مقدم‌الذکر



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره

تاریخ

پیوست

تعلیه

خواهد بود مشروط بر آنکه:

الف - جمع مدتی که دریافت کننده در یک یا چند نوبت در دولت دیگر به سربرده است از ۱۸۳ روز، در هر مدت دوازده ماهه که در سال مالی مربوطه شروع یا خاتمه می یابد تجاوز نکند، و

ب - حق الزحمه توسط، یا از طرف کارفرمایی که مقیم دولت متعاقد دیگر نیست پرداخت شود، و

ج - حق الزحمه بر عهده مقر دائم یا پایگاه ثابتی که کارفرما در دولت متعاقد دیگر دارد، نباشد.

۳- علیرغم مقررات قبلی این ماده، حق الزحمه حاصل مرتبط با استخدام در یک کشتی، قایق، هواپیما یا وسائط نقلیه جاده ای و راه آهن در حمل و نقل بین المللی می تواند مشمول مالیات دولت متعاهدی باشد که دفتر ثبت شده آن موسسه تجاری در آن واقع است.

ماده ۱۶ - حق الزحمه مدیران:

حق الزحمه مدیران و سایر پرداختهای مشابه حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد در سمت خود به عنوان عضو هیات مدیره شرکتی که مقیم دولت متعهد دیگر می باشد، می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

ماده ۱۷ - هنرمندان و ورزشکاران:

۱- علیرغم مقررات مواد (۱۴) و (۱۵)، درآمدی که مقیم یک دولت متعاقد به عنوان یک هنرمند، از قبیل هنرمند تئاتر، سینما، رادیو یا تلویزیون، یا موسیقیدان، یا به عنوان یک ورزشکار بابت فعالیتهای شخصی انجام شده خود در دولت متعاقد دیگر حاصل می نماید می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- در صورتی که درآمد مربوط به فعالیتهای شخصی هنرمند یا ورزشکار در سمت خود عاید شخص دیگری غیر از خود آن هنرمند یا ورزشکار شود، علیرغم مقررات مواد (۷)، (۱۴) و (۱۵) آن درآمد می تواند مشمول مالیات دولت متعاهدی که فعالیتهای هنرمند یا ورزشکار در آن انجام می گیرد، شود.



تعلین

۳- علیرغم مقررات بندهای (۱) و (۲) درآمد حاصل توسط یک هنرمند یا ورزشکار بابت فعالیتهای آرایه شده در دولت متعاقد دیگر، در حدود موافقتنامه فرهنگی منعقد شده بین دو دولت متعاقد، از مالیات آن دولت دیگر معاف خواهد بود.

ماده ۱۸ - حقوق بازنشستگی و سایر پرداختها:

- ۱- حقوق بازنشستگی و سایر حق الزحمه‌های مشابه پرداختی به مقیم یک دولت متعاقد به ازای استخدام در گذشته، فقط مشمول مالیات آن دولت می‌باشد. این مقررات برای مستمریهای مادام‌العمر پرداختی به مقیم یک دولت متعاقد نیز به کار می‌رود.
- ۲- حقوق بازنشستگی و مستمریهای مادام‌العمر و سایر پرداختهای ادواری یا موردی توسط یک دولت متعاقد فقط می‌تواند مشمول مالیات آن دولت باشد.

ماده ۱۹ - خدمات دولتی:

۱-

الف - حقوق، دستمزد و سایر حق الزحمه‌های مشابه (به غیر از حقوق بازنشستگی) پرداختی توسط یا از محل صندوق ایجاد شده توسط یک دولت متعاقد یا مقام محلی آن به شخص حقیقی بابت خدمات انجام شده برای آن دولت یا مقام محلی فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

ب - با این وجود، این حقوق، دستمزد و سایر حق الزحمه‌های مشابه در صورتی فقط مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر خواهد بود که این خدمات در آن دولت انجام شود و آن شخص حقیقی مقیم آن دولتی باشد که:

- تابعیت آن دولت را داشته باشد، یا

- صرفاً به منظور انجام آن خدمات مقیم آن دولت نشده باشد.

۲- مقررات مواد (۱۵)، (۱۶) و (۱۸) در مورد حقوق، دستمزد و سایر حق الزحمه‌های مشابه و حقوق بازنشستگی مربوط به خدمات انجام شده بابت فعالیتهای شغلی انجام شده توسط یک دولت متعاقد یا یک مقام محلی آن جاری خواهد بود.



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره

تاریخ

پوست

تعلیم

ماده ۲۰ - مدرسین، محصلین و کارآموزان:

۱- وجوهی که یک محصل یا کارآموز شغلی (کارورز) یا پژوهشگر که تبعه یک دولت متعاقد می‌باشد و صرفاً به منظور تحصیل یا کارآموزی در دولت متعاقد دیگر به سر می‌برد، برای مخارج زندگی، تحصیل یا کارآموزی خود دریافت می‌دارد مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر نخواهد بود، مشروط بر آن که پرداختها از منابع خارج از آن دولت دیگر حاصل شود.

۲- همچنین، حق الزحمه‌ای که یک مدرس یا معلمی که تبعه یک دولت متعاقد می‌باشد و در دولت متعاقد دیگر به سر می‌برد و منظور اولیه، تدریس یا انجام تحقیق علمی برای یک دوره یا دوره‌هایی که از دو سال تجاوز نکند باشد، از مالیات آن دولت دیگر بر حق الزحمه، بابت خدمات شخصی مربوط به تدریس یا تحقیق معاف خواهد بود، مشروط بر آنکه این پرداختها از منابع خارج از آن دولت حاصل شود.

این بند در مورد درآمد حاصل از تحقیقاتی که اساساً برای منافع خصوصی یک شخص یا اشخاص بخصوصی انجام می‌شود جاری نخواهد بود.

ماده ۲۱ - سایر درآمدها:

۱- ارقام درآمد مقیم یک دولت متعاقد که صریحاً در مواد قبلی این موافقتنامه ذکر نشده است فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود مگر آن که اینگونه ارقام درآمد از منابعی در دولت متعاقد دیگر حاصل شده باشند. چنانچه این ارقام درآمد از منابع دولت متعاقد دیگر حاصل شده باشند، در این صورت می‌توانند مشمول مالیات آن دولت دیگر هم بشوند.

۲- به استثنای درآمد حاصل از اموال غیر منقول به نحوی که در بند (۲) ماده (۶) تعریف شده است، هرگاه در یافت کننده درآمد، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر از طریق مقر دائم واقع در آن فعالیت شغلی نماید، یا در آن دولت از یک پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که درآمد در رابطه با آن حاصل شده است به طور موثری با این مقر دائم یا پایگاه ثابت مرتبط باشد مقررات بند (۱) جاری نخواهد بود. در این مورد مقررات مواد (۷) یا (۱۴)، حسب مورد، جاری خواهد بود.



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره

تاریخ

پیوست

تعالیه

ماده ۲۲ - سرمایه:

۱- سرمایه متشکل از اموال غیر منقول مذکور در ماده ۶ (درآمد حاصل از اموال غیر منقول) که متعلق به مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر واقع شده می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- سرمایه ای که متشکل از اموال منقولی که جزئی از اموال شغلی یک مقر دائمی که یک موسسه تجاری یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر دارد می باشد یا اموال منقولی که متعلق به پایگاه ثابتی است که یک مقیم یک دولت متعاقد به منظور مبادرت به خدمات شخصی مستقل در دولت متعاقد دیگر در اختیار دارد، می تواند مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر شود.

۳- سرمایه متشکل از کشتیها، قایقها، هواپیما، وسائط نقلیه جاده ای و راه آهن، متعلق به مقیم یک دولت متعاقد و مورد استفاده در حمل و نقل بین المللی و همچنین اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتیها، قایقها، هواپیما یا وسائط نقلیه جاده ای و راه آهن، فقط مشمول مالیات دولت متعهادی خواهد بود که دفتر ثبت شده موسسه در آن واقع است.

۴- سرمایه متشکل از سهام یا سایر حقوق شراکتی در شرکتی که دارائیهای آن عمدتاً از اموال غیر منقول واقع در یک دولت متعاقد تشکیل شده است، می تواند مشمول مالیات آن دولت متعاقد شود.

۵- کلیه موارد دیگر سرمایه مقیم یک دولت متعاقد فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

ماده ۲۳ - روش حذف مالیات مضاعف:

۱- در صورتی که مقیم یک دولت متعاقد درآمدی حاصل می کند یا سرمایه ای دارد که، طبق مقررات این موافقتنامه، می تواند مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر شود، دولت مقدم الذکر اجازه خواهد داد:

الف - مبلغی برابر با مالیات بر درآمد پرداختی در آن دولت دیگر، به عنوان تخفیف از مالیات بر درآمد آن مقیم کسر شود.



تعلقات

ب - مبلغی برابر با مالیات بر سرمایه پرداختی در آن دولت دیگر، به عنوان تخفیف از مالیات بر سرمایه آن مقیم کسر شود.

با وجود این در هر یک از دو مورد اینگونه تخفیفات، از آن قسمت از مالیات بر درآمد، یا مالیات بر سرمایه مورد محاسبه قبل از دادن تخفیف، که حسب مورد مربوط به درآمد یا سرمایه‌ای باشد که می‌تواند در آن دولت دیگر، مشمول مالیات شود، بیشتر نخواهد بود.

۲- در صورتی که طبق هر یک از مقررات این موافقتنامه درآمد حاصل یا سرمایه متعلق به مقیم یک دولت متعاقد از مالیات آن دولت، معاف باشد، معهدا این دولت می‌تواند در محاسبه مبلغ مالیات بر باقیمانده درآمد یا سرمایه این مقیم، درآمد یا سرمایه معاف شده را منظور کند.

ماده ۲۴ - عدم تبعیض:

- ۱- اتباع یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر مشمول هیچگونه مالیات یا الزامات مربوط به آن، سوای یا سنگین‌تر از مالیات و الزامات مربوطه‌ای که اتباع دولت دیگر تحت همان شرایط مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند بود. علیرغم مقررات ماده (۱)، این مقررات شامل اشخاصی که مقیم یک یا هر دو دولت متعاقد نیستند نیز خواهد بود.
- ۲- اشخاص بدون تابعیتی که مقیم یک دولت متعاقد هستند، در هر یک از دولتهای متعاقد مشمول هیچگونه مالیات یا الزامات مربوط به آن، سوای یا سنگین‌تر از مالیات و الزامات مربوط به آن که اتباع دولت مربوط تحت همان شرایط مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند نخواهند بود.
- ۳- مالیات یک مقرر دائم که موسسه تجاری یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر دارد، در دولت متعاقد دیگر با مطلوبیت کمتری از مالیات موسسات تجاری آن دولت متعاقد دیگری که همان فعالیتها را انجام می‌دهند، وصول نخواهد شد.
- ۴- موسسات تجاری یک دولت متعاقد که سرمایه آنها کلا یا جزئا، به طور مستقیم یا غیر مستقیم متعلق یا در کنترل یک یا چند مقیم دولت متعاقد دیگر می‌باشد، در دولت مقدم‌الذکر مشمول هیچگونه مالیات یا الزامات مربوط به آن، که سوای یا سنگین‌تر از مالیات



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره

تاریخ

پیوست

تعلیه

و الزامات مربوط به آن که سایر موسسات مشابه تجاری در دولت مقدم‌الذکر مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند شد.

۵- این مقررات به نحوی تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاقد را ملزم نماید که هر نوع تخفیفات شخصی، معافیت‌ها و بخشودگی مالیاتی را که به علت احوال شخصیه یا مسوولیت‌های خانوادگی به مقیمین خود اعطا می‌نماید به مقیمین دولت متعاقد دیگر نیز اعطا کند.

ماده ۲۵ - روش توافق دوجانبه:

۱- در صورتی که مقیم یک دولت متعاقد ملاحظه کند که اقدامات یک یا هر دولت متعاقد در مورد وی از لحاظ مالیاتی منتج به نتایجی شده یا خواهد شد که منطبق با این موافقتنامه نمی‌باشد، صرف‌نظر از تدابیر پیش‌بینی شده در قوانین ملی آن دولت‌ها، می‌تواند مورد خود را به مقام صلاحیتدار دولت متعاقدی که مقیم آن است یا چنانچه مورد او مطابق بند (۱) ماده (۲۴) باشد، به مقام صلاحیتدار دولت متعاقدی که تبعه آن است تسلیم نماید. این مورد می‌بایست ظرف دو سال از اولین اخطار اقدامی که منتج به اعمال مالیاتی شده که منطبق با مقررات این موافقتنامه نیست، تسلیم شود.

۲- اگر مقام صلاحیتدار اعتراض را موجه بیابد ولی نتواند شخصا به راه حل مناسبی برسد، خواهد کوشید که از طریق توافق دوجانبه با مقام صلاحیتدار دولت متعاقد دیگر، به منظور اجتناب از اخذ مالیاتی که مطابق این موافقتنامه نمی‌باشد، مورد را فیصله دهد.

۳- مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد برای حل هرگونه مشکلات و یا شباهات ناشی از تفسیر یا اجرای این موافقتنامه، به طریق توافق دوجانبه کوشش خواهند کرد و نیز می‌توانند به منظور حذف مالیات مضاعف در مواردی که در این موافقتنامه پیش‌بینی نشده است با یکدیگر مشورت کنند.

۴- مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد می‌توانند به منظور حصول توافق در موارد بندهای پیشین با یکدیگر ارتباط مستقیم برقرار کنند.



تعالی

ماده ۲۶ - تبادل اطلاعات:

۱- مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد اطلاعاتی را که برای اجرای مقررات این موافقتنامه ضروری است یا قوانین داخلی دو دولت متعاقد را که به مالیاتهای مشمول این موافقتنامه مربوط می باشد تا جایی که وضع مالیات به موجب آن، مغایر با این موافقتنامه نباشد با یکدیگر مبادله خواهند کرد. تبادل اطلاعات به ماده (۱) محدود نمی شود. هر نوع اطلاعاتی که به وسیله یک دولت متعاقد دریافت می شود به همان شیوه ای که اطلاعات مکتسبه طبق قوانین آن دولت سری می باشد، سری خواهد بود و فقط برای اشخاص یا مقامات (از جمله دادگاهها و تشکیلات اداری) مرتبط با تشخیص، یا وصول، اجرا یا پیگیری، یا تصمیم گیری در مورد پژوهش خواهیهای مربوط به مالیاتهایی که مشمول این موافقتنامه می باشند، افشاء خواهد شد. این اشخاص یا مقامات، اطلاعات را فقط برای چنین مقاصدی مورد استفاده قرار خواهند داد. آنها می توانند این اطلاعات را در جریان دادرسیهای دادگاههای عمومی یا تصمیمات قضائی فاش سازند.

۲- مقررات بند (۱) در هیچ مورد چنین تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاقد را

وادار سازد:

الف - اقدامات اداری خلاف قوانین و عرف اداری خود یا دولت متعاقد دیگر اتخاذ

نماید.

ب - اطلاعاتی را فراهم نماید که طبق قوانین یا رویه اداری متعارف خود یا دولت

متعاقد دیگر قابل تحصیل نیست.

ج - اطلاعاتی را فراهم نماید که منجر به افشای هر نوع اسرار تجاری، شغلی،

صنعتی، بازرگانی یا حرفه ای یا فرایند تجاری شود یا اطلاعاتی که افشای آن خلاف سیاست

(نظم) عمومی باشد.

ماده ۲۷ - مساعدت برای وصول:

۱- مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد تعهد می نمایند در مورد وصول مالیات به

انضمام هزینه های مالی، هزینه ها و مجازاتهای مدنی مرتبط با اینگونه مالیاتها که در این ماده

به عنوان "مطالبه درآمد مالیاتی" نامیده خواهد شد، به یکدیگر مساعدت کنند.



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره

تاریخ

پیوست

تعلیه

۲- درخواست مساعدت از طرف یک مقام صلاحیتدار یک دولت متعاقد برای "مطالبه درآمد مالیاتی" می بایست با یک گواهی نامه از طرف آن مقام مبنی بر آنکه طبق قوانین آن دولت این "درآمد مالیاتی" به قطعیت رسیده است، باشد. از لحاظ این ماده، یک "مطالبه درآمد مالیاتی" وقتی قطعی خواهد بود که یک دولت متعاقد طبق قوانین داخلی خود حق وصول این "درآمد مالیاتی" را داشته باشد و مودی مالیاتی هیچ نوع حقی برای جلوگیری از وصول آن نداشته باشد.

۳- "مطالبه درآمد مالیاتی" یک دولت متعاقد که وصول آن توسط مقام صلاحیتدار دولت متعاقد دیگر پذیرفته شده است، همانند "مطالبه درآمد مالیاتی" خود آن دولت که به قطعیت رسیده است، توسط آن دولت متعاقد دیگر مطابق با مفاد قوانین مربوط به وصول مالیاتهای آن دولت دیگر وصول خواهد شد.

۴- مبالغ وصول شده توسط مقام صلاحیتدار یک دولت متعاقد به موجب این ماده، به مقام صلاحیتدار دولت متعاقد دیگر تسلیم خواهد شد. مع ذلک، جز در مواردی که مقامات صلاحیتدار دولتهای متعاقد طور دیگری توافق نمایند، مخارج معمولی هزینه شده برای مساعدت در وصول، بر عهده دولت متعاقد مقدم الذکر خواهد بود و هرگونه مخارج فوق العاده هزینه شده بر عهده دولت متعاقد دیگر خواهد بود.

۵- هیچ گونه مساعدتی برای "مطالبه درآمد مالیاتی" یک دولت متعاقد به موجب این ماده، در مورد مودی مالیاتی که "مطالبه درآمد مالیاتی" وی مرتبط با مدتی باشد که طی آن مدت مودی مزبور مقیم یک دولت متعاقد یا دولت متعاقد دیگر بوده است، انجام نخواهد شد.

۶- علیرغم مقررات ماده (۲)، مقررات این ماده شامل کلیه مالیاتهای وصول شده توسط یا از طرف یک دولت متعاقد خواهد شد.

۷- مقررات این ماده چنین تعبیر نخواهد شد که هر یک از دو دولت متعاقد را وادار سازد که اقدامات اداری که ماهیتا متفاوت از آنچه در وصول مالیاتهای خود معمول می دارد، یا مغایر با سیاست عمومی (نظم عمومی) آن دولت باشد، بکار برد.



تعلیم

ماده ۲۸ - اعضای هیاتهای نمایندگی سیاسی و مناصب کنسولی:

مقررات این موافقتنامه بر امتیازات مالی اعضای ماموریتهای سیاسی یا مناصب کنسولی که به موجب قواعد عمومی حقوق بین الملل یا مقررات موافقتنامه های خاص از آن برخوردار می باشند، تاثیری نخواهد گذاشت.

ماده ۲۹ - لازم الاجرا شدن:

۱- این موافقتنامه در هریک از دولتهای متعاقد تصویب خواهد شد و اسناد تصویب آن در اسرع وقت مبادله خواهد شد.

۲- این موافقتنامه با مبادله اسناد تصویب، لازم الاجرا و مقررات آن در موارد زیر نافذ خواهد شد:

الف - در مورد مالیاتهای تکلیفی، به آن قسمت از درآمدی که از تاریخ یازدهم دیماه برابر با اول ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه لازم الاجرا می گردد، حاصل می شود.

ب - در مورد سایر مالیات ها، به آنگونه از مالیاتهای متعلقه برای هر سال مالیاتی که از تاریخ یازدهم دیماه برابر با اول ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه لازم الاجرا می گردد، شروع می شود.

ماده ۳۰ - فسخ:

این موافقتنامه تازمانی که توسط یک دولت متعاقد فسخ شود لازم الاجرا خواهد بود. هریک از دولتهای متعاقد می تواند این موافقتنامه را از طریق معجاری دیپلماتیک، با ارائه یادداشت فسخ، حداقل شش ماه قبل از پایان هر سال تقویمی بعد از دوره پنج ساله از تاریخی که موافقتنامه لازم الاجرا می گردد، فسخ نماید. در این صورت این موافقتنامه در موارد زیر نافذ نخواهد بود:

الف - نسبت به مالیاتهای تکلیفی، به آن قسمت از درآمدی که از یازدهم دیماه برابر با اول ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این یادداشت تسلیم شده است، حاصل می شود.



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

شماره ۲۱۸۸

تاریخ ۱۳۷۷/۴/۷

پیوست

تعمین

ب - نسبت به سایر مالیاتها به آنگونه مالیاتهای متعلقه به هر سال مالیاتی که از تاریخ یازدهم دیماه برابر با اول ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این یادداشت تسلیم شده است، شروع می شود.

بنا به مراتب فوق، امضاء کنندگان زیر که از طرف دولت متبوع خود به نحو مقتضی مجاز می باشند، این موافقتنامه را امضاء نمودند. این موافقتنامه در دو نسخه در شهر آلمانی به تاریخ ۱۳۷۴/۱۰/۲۶ برابر ۱۹۹۶/۱/۱۵ به زبان انگلیسی تنظیم گردید. نسخه های فارسی، قزاقی و روسی تنظیم و با تبادل یادداشت دیپلماتیک، مورد موافقت هریک از دولت های متعاقد قرار خواهد گرفت. کلیه متنها از اعتبار یکسان برخوردارند. در صورت اختلاف در تفسیر، متن انگلیسی حاکم خواهد بود.

از طرف دولت
جمهوری قزاقستان

از طرف دولت
جمهوری اسلامی ایران

لایحه فوق مشتمل بر ماده واحده منضم به متن موافقتنامه شامل مقدمه و سی ماده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ چهاردهم تیرماه یکهزار و سیصد و هفتاد و هفت به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. ان

علی اکبر ناطق نوری
رئیس مجلس شورای اسلامی